

رهیافتهای مفسران فریقین درباره آیه ۱۰۵ سوره انبیاء

زهرا پایدار*

حامد دژآباد**

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۳۰

چکیده

از جمله آیاتی که پیرامون آینده زمین و وارثان حقیقی آن، که نوید بخش حکومتی الهی و دینی است سخن می‌گوید آیه ۱۰۵ از سوره انبیاء است. ذیل این آیه، روایات متعددی توسط مفسران اهل سنت و شیعه نقل شده است، و بر اساس آن‌ها مصادیق متفاوتی برای صالحان و وارثان زمین معرفی شده‌اند، و این سؤالات را به ذهن متبادر می‌کنند که روایات مورد استناد هر یک، از چه کسانی نقل شده و میزان اعتبار این ادله چقدر است؟ در این نوشتار که به روش تطبیقی انجام می‌گیرد ادله فریقین دسته‌بندی شده و مورد ارزیابی قرار گرفته و با استقصای تمام نظرات، روشن می‌شود که اکثر روایات اهل سنت منتسب به تابعین و همراه با تناقض و تعارض بسیار است. به طوری که گاهی از یک تابعی دو نقل متفاوت در کتب اهل سنت وجود دارد. اما بر اساس مفاد آیات به خصوص این آیه شریفه و روایات شیعی و برخی روایات اهل سنت که هماهنگ با ظاهر آیات می‌باشند، وارثان زمین، امام مهدی(عج) و یاران آن حضرت هستند و وعده وراثت بر زمین، به عصر ظهور امام مهدی(عج) اختصاص یافته است.

کلیدواژه‌ها: وراثت زمین، زبور، ذکر، امام مهدی(عج).

* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران. vatanazeran@gmail.com

** عضو هیأت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران (استادیار).

نویسنده مسؤول: زهرا پایدار

مقدمه

یکی از آیاتی که پیرامون سرانجام زمین و زندگی بشر سخن می‌گوید و مورد استناد شیعه و اهل سنت قرار گرفته، آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء است که با/مام مهدی و عصر ظهور ارتباط مستقیمی دارد. در این آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

«در زبور بعد از ذکر نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث(حکومت) زمین خواهند شد».

درباره مصادیق تعابیر "زبور" و "ذکر"، "الارض" و "عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ" اختلاف‌های زیادی در تفاسیر فریقین دیده می‌شود که عمدتاً ناشی از روایات متعدد و متفاوت است.

سؤالاتی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که دیدگاه مفسران فریقین بر چه ادله‌ای استوار است؟ روایات مورد استناد هر یک از چه کسانی نقل شده است؟ میزان اعتبار این ادله چقدر است؟

در این نوشتار که به روش تطبیقی انجام می‌گیرد، ادله فریقین دسته‌بندی شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. با این روش نقاط افتراق و اشتراک مفسران فریقین به روشنی قابل فهم می‌گردد و مشخص می‌شود که روایات مورد استناد هر یک به نقل از کیست و میزان هماهنگی یا تعارض نقل ناقلان چه اندازه است. بنابراین نخست دیدگاه اهل سنت و ادله آنان در اثبات مدعای خود در دو بخش استناد به روایات و دیگری تحلیل درونی از دلالت آیات به تفصیل بیان می‌شود، سپس دیدگاه شیعه و ارزیابی ادله اهل سنت ذکر خواهد شد.

درباره پیشینه این بحث بایسته ذکر است که اگر چه در تفاسیر فریقین درباره این آیه زیاد بحث شده، اما بررسی تطبیقی این آیه که همه اقوال مفسران فریقین را با دسته‌بندی منظم و به روش تطبیقی مورد بحث قرار دهد دیده نشده است.

دیدگاه اهل سنت

اهل سنت در تفسیر این آیات بر دو حوزه مرتبط با یکدیگر تکیه کرده‌اند که عبارت‌اند از استناد به روایات، و دیگری تحلیل درونی از دلالت آیات.

۱. استناد به روایات

اهل سنت همواره برای تأیید مدعای خود، به روایات یا اقوال صحابه و تابعین استناد می‌کنند. در این باره نیز در کتب تفسیری آنان چنین شیوه‌ای دیده می‌شود. در ذیل این آیه شریفه، روایات و اقوالی از صحابه و به خصوص تابعین آورده شده است که بر مبنای آن‌ها به تحلیل و تفسیر می‌پردازند.

دیدگاه مفسران اهل سنت در تفسیر این آیات متفاوت است، که به تفصیل بیان می‌شود.

۱-۱. الزبور

روایات متفاوتی از صحابه و تابعین در کتب تفسیری اهل سنت در مورد معنای واژه "الزبور" نقل شده است که عبارت‌اند از:

الف. کتاب زبور حضرت داوود(ع)

آنچه مفسران اهل سنت در تفسیر "الزبور" مطرح کرده‌اند، منقول از ابن عباس، سعید بن جبیر، مجاهد، ابن زید و قتاده است. آنان یکی از احتمالات موجود درباره واژه الزبور را کتاب آسمانی زبور می‌دانند که بر حضرت داوود نازل شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۳۱۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۳۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸). در این رابطه سیوطی نقلی را از منابع متعدد چنین گزارش می‌کند: «منظور از "زبور" کتاب حضرت داوود علیه السلام است و منظور از "ذکر" کتاب تورات حضرت موسی علیه السلام» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۴۰).

ب. کتب انبیاء الهی

این دیدگاه از سعید بن جبیر، ابن مجاهد و عبدالرحمن بن زید است (همان: ۳۴۰). مفسرانی چون ابن جوزی، زمخشری، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، بغوی، ثعلبی، فخر رازی این قول را ذکر کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۳۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹؛

آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۳۱۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹۲).

ج. تورات، انجیل، قرآن

برخی مفسران اهل سنت به نقل از صحابه و تابعین سه مصداق متفاوت دیگر نیز گزارش کرده‌اند:

۱) تورات: عده‌ای معنای زبور را "تورات" می‌دانند؛ ثعلبی در این رابطه روایتی از ابن عباس و ضحاک نقل کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۳۱۳). بغوی و سیوطی نیز این قول را گزارش کرده‌اند (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۴۰).

۲) قرآن: سعید بن جبیر، قتاده و شعبی زبور را "قرآن" می‌دانند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۴۰).

۳) تورات، انجیل و قرآن: ابن کثیر به نقل از اعمش این نظر را مطرح کرده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷).

قرطبی و سیوطی نیز با تکیه بر روایاتی از سعید بن جبیر و ابن عباس این دیدگاه را گزارش نموده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۴۱).

د. کتب آسمانی بعد از تورات

آنچه مفسران در این باره نوشته‌اند، منقول از ابن عباس و ضحاک است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۳۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸). سیوطی نیز همین دیدگاه را از ضحاک نقل می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۴۱).

۱-۲. "الذکر"

روایات متفاوتی از صحابه و تابعین در کتب تفسیری اهل سنت در مورد معنای واژه الذکر نقل شده است که عبارت‌اند از:

الف. ام‌الکتاب، لوح محفوظ

از جمله افرادی که مصداق ذکر را "ام‌الکتاب" می‌داند/بن عباس است. سیوطی با ذکر روایتی از وی، همین معنا را نقل می‌کند(سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۴۱).

بغوی نیز از سعید بن جبیر و ابن مجاهد چنین گزارش می‌کند: «ذکر همان ام‌الکتاب است که نزد خداوند متعال وجود دارد و معنی این قسمت آیه چنین می‌شود: بعد از آنکه در لوح محفوظ نوشته شد»(بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰).

هم‌چنین ابن جوزی با ذکر روایتی از ابن زبید، ذکر را ام‌الکتاب معرفی می‌کند(ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷).

این قول از زجاج هم نقل شده است(الوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸ و نیز نک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۳۱۳).

سفیان ثوری، مجاهد و ابن جریر این واژه را به لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند. سعید بن جبیر نیز در مورد ذکر چنین می‌گوید: «ذکر همان چیزی است که در آسمان است»(ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷).

ب. قرآن، تورات، انجیل

مفسران اهل سنت در این باره سه دسته‌اند:

(۱) قرآن: سیوطی بر پایه نقلی از ابن عباس، که ابن کثیر نیز آن را آورده است، مصداق ذکر را "قرآن" گزارش می‌کند(سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۴۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷).

(۲) تورات: این تفسیر به دو طریق از ابن عباس نقل شده است(ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷؛ الوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸). قتاده نیز چنین دیدگاهی دارد(ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷).

سیوطی نیز به نقل از عکرمه این نظر را آورده است(سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۴۱).

(۳) تورات و انجیل: این دیدگاه از سعید بن جبیر نقل شده است(ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷).

ج. کتب آسمانی بعد از تورات

بغوی از ابن عباس روایتی را در این باره نقل می‌کند(بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰).

۳-۱. "الارض"

پیرامون واژه "الارض" در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء روایات متفاوتی از صحابه و تابعین وجود دارد. به دلیل گوناگونی روایات ذیل این کلمه، و هم‌چنین فهم آسان‌تر آیه، روایات موضوع‌بندی شده است که عبارت‌اند از:

الف. بهشت

آنچه که مفسران اهل سنت در این باره آورده‌اند، منقول از ابن عباس، سعید بن جبیر، مجاهد، ربیع بن انس، عکرمه، ابو‌العالیه، سدی، شعبی و سفیان ثوری است. آلوسی، زمخشری، ابن جوزی، قرطبی، ثعلبی، فخر رازی، و ابن کثیر بر این باور رفته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۳۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۳۱۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷).

ب. دنیا

مفسران اهل سنت این دیدگاه را از ابن عباس و کلبی نقل می‌کنند. به عنوان مثال، بغوی در تفسیر این آیه به نقل از ابن عباس چنین می‌نویسد: «خداوند اراده کرده است که مسلمانان سرزمین کافران را فتح کنند و این حکم و تدبیری از سوی خداست به منظور آشکارکردن دین و عزت بخشیدن به مسلمین» (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰).

ثعلبی نیز همین روایت را به گونه‌ای دیگر از ابن عباس چنین نقل می‌کند: «خداوند اراده کرده است که سرانجام زمین دنیا برای مؤمنان شود و این حکم و خواسته خداوند است به منظور آشکارکردن دین و عزت بخشیدن به مسلمین و نابودی کافران» (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۳۱۳).

سیوطی نیز روایتی را از ابن عباس چنین نقل می‌کند: «بن عباس در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره انبیاء چنین می‌گوید: «خداوند در تورات و زبور خبر داده است، همان طور که در علم خداوند بوده قبل از پیدایش آسمان‌ها و زمین، که این زمین را امت پیامبر به ارث می‌برند و وارد بهشت می‌شوند و همان‌ها بندگان صالح خداوند هستند» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۴۱).

فخر رازی و هم‌چنین آلوسی روایت بالا را با اندکی اختلاف از کلبی و ابن عباس در تفسیر خود آورده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸).

ج. بیت المقدس

تفسیر "الارض" به بیت المقدس توسط ابن عباس و ابن سائب مطرح شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹).

۴-۱. "عبادی الصالحون"

پیرامون فراز یادشده روایات متفاوتی در کتب تفسیری اهل سنت آمده، و هم‌چنین مصادیق مختلفی برای این فراز در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین بخش آیه ۱۰۵ سوره انبیاء که ارتباط مستقیمی با عصر ظهور، امام زمان عجل الله فرجه و یاران ایشان دارد، این قسمت آیه می‌باشد. روایات و مصادیقی که برای "عبادی الصالحون" ذکر شده است عبارت‌اند از:

الف. امت پیامبر

مفسران در این دیدگاه از ابن عباس، مجاهد، ابو العالیه و سفیان ثوری نقل می‌کنند، و اغلب منقولات آن‌ها از ابن عباس است. به عنوان مثال، ابن جوزی به نقل از ابن عباس آورده است که مصداق آیه ۱۰۵ انبیاء، امت پیامبر هستند. وی قول دیگری را نیز به عنوان شاهد مثال این‌گونه گزارش می‌کند: «امت پیامبر زمین دنیا را با فتح و پیروزی به ارث می‌برند» (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷).

و باز ابن کثیر با نقل قولی از ابن عباس در این گروه قرار می‌گیرد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷ و نیز نک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹).

بعوی در تفسیر خود به نقل از مجاهد عبادی الصالحون را به امت پیامبر تفسیر کرده است. وی آیه:

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ (زمر/۷۴)

را به عنوان مؤید سخن مجاهد ذکر می‌کند (بعوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰).

ألوسی نیز همین دیدگاه را به نقل از سفیان ثوری بیان می‌کند. وی می‌نویسد: «أخرج مسلم و أبو داود و الترمذی عن ثوبان قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إن الله تعالى زوى لى

الأرض فرأيت مشارقها و مغاربها و أن أمتی سیبلغ ملکها ما زوی لی منها: «خداوند متعال زمین را برای من جمع کرد و تمام شرق و غرب آن را دیدم. به زودی ملک امت من همه آن‌ها را فرا می‌گیرد» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸).

به نظر می‌رسد دیدگاه ثعلبی نیز همین است. وی به نقل از مجاهد و أبو العالیه "امت پیامبر" را مصداق این فراز از آیه می‌داند، و آیه ۷۴ سوره زمر را به عنوان مؤید این نظر ذکر می‌کند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۳۱۳).

ب. مؤمنان

آنچه مفسران اهل سنت در این دیدگاه نوشته‌اند، منقول از ابن عباس، مجاهد، سعید بن جبیر، عکرمه، أبو العالیه، سدی و کلبی است (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷). ثعلبی از ابن عباس چنین گزارش می‌کند: «خداوند اراده کرده است که سرانجام زمین دنیا برای مؤمنان شود، و این حکم و خواسته خداوند است به منظور آشکار کردن دین و عزت بخشیدن به مسلمین و نابودی کافران» (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۳۱۳).

ج. بنی اسرائیل

از جمله مفسران اهل سنت که یکی از مصادیق عبادی الصالحون را "بنی اسرائیل" می‌داند، ابن جوزی است. وی این نظر را به نقل از ابن سائب نقل می‌کند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۷).

با استقصای تمام نظرات درباره آنچه که در این بخش ذکر گردید دو نکته قابل توجه است؛ اول اینکه اکثر روایات مورد استناد اهل سنت از تابعین نقل گردیده و به نظر می‌رسد که بیش‌تر، اجتهاد و استنباط شخصی آنان است. دوم اینکه این روایات همراه با تناقض و تعارض بسیار است به طوری که گاهی از یک تابعی دو نقل متفاوت در کتب اهل سنت وجود دارد.

۲. تحلیل درونی از دلالت آیه

مفسران اهل سنت در تحلیل درون متن آیه، اظهار نظر خاص، و تحلیل مفصل و مشروحی ندارند و اغلب به همان روایات و اقوال صحابه و تابعین بسنده می‌کنند.

۱-۲. "الزبور"

واژه الزبور از نظر مفسران اهل سنت در این فراز از آیه به دو معنای لغوی و اصطلاحی تفسیر شده است.

قرطبی در مورد معنای لغوی زبور چنین می‌نویسد: «زبور همان کتاب است و به همین خاطر جایز است که به تورات و انجیل، زبور گفته شود. "زبرت" یعنی نوشتن. جمع زبور، زبر است» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹).

آلوسی نیز الزبور را کلمه‌ای عربی می‌داند به معنای "المزبور" یعنی نوشته شده (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸).

واژه الزبور به معنای اصطلاحی آن، همان کتاب آسمانی نازل شده بر حضرت داوود (ع) است. اکثر مفسران اهل سنت نیز ذیل این فراز از آیه یکی از مصادیق الزبور را زبور حضرت داوود می‌دانند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸).

۲-۲. "الذکر"

"الذکر" از ماده ذکر به معنای یادآوری و تذکر است. در میان مفسران اهل سنت، فخر رازی بعد از برشمردن همه احتمالاتی که در این باره وجود دارد، نظر خود را این‌گونه بیان می‌دارد: «نزد من وجه دیگری در مورد "ذکر" است. مراد از ذکر، "علم و آگاهی" است. به این معنا که: نوشتیم آن را در زبور بعد از آنکه علم داریم، علم و آگاهی که هیچ‌گاه دچار خطا و فراموشی نمی‌شود و حتماً به وقوع می‌پیوندد...» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹۲).

۳-۲. "الارض"

اهل سنت درباره ارض همان مطالب مذکور در روایات را می‌گویند و هر کدام به آیاتی استناد می‌کنند. به عنوان مثال زمخسری الارض را زمین دنیا می‌داند که مؤمنان بعد از نابود کردن کافران، وارث آن خواهند شد. وی نظر خود را با استناد به آیات ذیل بدین صورت بیان می‌دارد: «مؤمنان زمین را بعد از نابودی کافران و پاک کردن زمین از لوث وجود آن‌ها به ارث می‌برند»، کتوله تعالی:

﴿وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا...﴾ (اعراف/۱۳۷)

«و مشرق‌ها و مغرب‌های پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم) واگذار کردیم...»

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف/۱۲۸)

«موسی به قوم خود گفت از خدا یاری جوئید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است»

هم‌چنین/بن کثیر زمین دنیا و زمین آخرت را به عنوان تفسیر واژه الارض بیان می‌دارد. وی برای اثبات نظر خود به آیات ذیل استناد می‌کند (بن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷):

﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف/۱۲۸)

«که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است»

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ (غافر/۵۱)

«ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم»

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...﴾ (نور/۵۵)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت...»

بهشت و بیت المقدس دو معنایی است که توسط برخی مفسران اهل سنت برای واژه الارض بیان شده است. به عنوان نمونه: قرطبی بهترین معنای الارض را بهشت می‌داند. وی دلیل خود را برای این نظر این‌گونه بیان می‌دارد که زمین دنیا را هم افراد صالح به ارث می‌برند و هم افراد ناصالح (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹).

آلوسی نیز هم‌چون اکثریت مفسران سنی شایسته‌ترین تفسیر برای این واژه را بهشت می‌داند، علاوه بر این سه دلیل دیگر را به عنوان مؤید نظر خویش بیان می‌کند:

۱. زمین دنیا هم برای افراد صالح و نیکوکار خلق شده است و هم برای افراد ناصالح و بدکار، و تنها بهشت است که مخصوص صالحان است.

۲. طبق آیه ۱۰۴ انبیاء خداوند زمین را به حالت قبل از فناء و نابودی برمی‌گرداند و بعد از اعاده و برگشت زمین، دیگر زمینی نیست تا صالحان آن را ارث ببرند، مگر بهشت.

۳. آیه ۷۴ زمر به عنوان مؤید دیدگاه فوق است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۹۸ و نیز نک: بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰).

معنی دیگری که برای این واژه بیان شده، بیت المقدس است که توسط فخر رازی ذکر شده است. وی برای اثبات نظر خویش به آیه ۱۳۷ اعراف استناد کرده و در ادامه چنین می‌آورد: «سپس در آخرالزمان هنگام نزول حضرت عیسی بن مریم، امت پیامبر زمین را به ارث می‌برند.» فخر رازی علاوه بر بیت المقدس، بهشت را نیز به عنوان یکی از مصادیق "الارض" بیان کرده است، و سه دلیلی را که آلوسی به آن‌ها استناد کرده، فخر رازی نیز آن‌ها را به عنوان مؤید نظر خویش آورده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹۲).

۴-۲ "عبادی الصالحون"

عده‌ای از مفسران اهل سنت مصادیق مختلفی برای این فراز از آیه بیان کرده‌اند؛/بن کثیر از جمله مفسرانی است که عبارت "عبادی الصالحون" را به همان معنای لغوی تفسیر کرده، و برای تأیید نظر خود به آیات ۱۲۸ اعراف، ۵۱ غافر و ۵۵ نور استناد کرده است. وی ذیل آیه شریفه مورد بحث چنین می‌نویسد: «خداوند از چیزی خبر می‌دهد که حتمی و جزء قضای الهی است برای بندگان صالح خویش، که آن سعادت دنیا و آخرت و به ارث بردن زمین در دنیا و آخرت است(بن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۳۷).

/بن جوزی نیز به نقل از عده‌ای از مفسران، این فراز از آیه را به همه افراد صالح اطلاق می‌کند(بن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۱۸).

اما برخی دیگرهم چون زمخشری عبادی الصالحون را مؤمنانی می‌دانند که بعد از نابود کردن کافران، وارث زمین خواهند شد. وی نظر خود را با استناد به آیات ۱۳۷ و ۱۲۸ سوره مبارکه اعراف بیان می‌دارد(زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۳۸).

فخر رازی نیز به همین قول گرایش دارد. وی به تمام احتمال‌ها درباره تفسیر این آیه اشاره دارد و امت پیامبر را به عنوان احتمالی موجه بدین صورت ذکر می‌کند: «سپس در آخر الزمان هنگام نزول حضرت عیسی بن مریم، امت پیامبر زمین را به ارث می‌برند»(فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹۲ و نیز نک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۳۴۹).

دیدگاه شیعه و بررسی دیدگاه اهل سنت

مفسران شیعی در تفسیر این آیات بر دو حوزه مرتبط با یکدیگر تکیه کرده‌اند که عبارت‌اند از: استناد به روایات، و دیگری تحلیل درونی از دلالت آیات.

۱. استناد به روایات

مفسران در ذیل این آیه شریفه، روایاتی از اهل بیت(ع) ذکر کرده‌اند که بر مبنای آن‌ها، به تحلیل و تفسیر می‌پردازند. نکته قابل ذکر در این قسمت این است که برخی از مصادیقی که در

تفاسیر شیعی ذکر می‌شود به نقل از صحابه و تابعین (بدون استناد به معصوم) است و عمدتاً بدون تأیید یا رد گزارش شده است.

دیدگاه مفسران شیعی در تفسیر این آیات متفاوت است، که ذیلاً به تفصیل بیان می‌شود:

۱-۳. "الزبور"

ذیل این فراز از آیه روایات و اقوال متفاوتی نقل شده و سه مصداق برای آن ذکر گردیده است که عبارت‌اند از:

الف. کتاب حضرت داوود علیه السلام

درباره این دیدگاه روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام وجود دارد که عروسی حویزی ذیل این فراز از آیه با استناد به اصول کافی نقل می‌کند: «از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد آیه ۱۰۵ انبیاء سؤال شد که منظور از زبور و ذکر چیست؟ حضرت فرمودند: ذکر نزد خداست و زبور کتاب حضرت داوود است و تمام کتب آسمانی که نازل گردیده همه آن‌ها نزد اهل علم است و ما اهل علم هستیم» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۶۴).

این دیدگاه را شعبی نیز بیان کرده است. طوسی و طبرسی این نظر را نقل کرده‌اند (طوسی، بی تا، ج ۷: ۲۸۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶).

بحرانی نیز به نقل از «تفسیر قمی»، این واژه را زبور حضرت داوود می‌داند که حاوی مجموعه‌ای از مناجات‌ها، نیایش‌ها و اندرزهای ایشان است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۸۴۸).

ب. کتب انبیاء الهی

آنچه مفسران شیعه در این دیدگاه نوشته‌اند، منقول از ابن عباس، سعید بن جبیر، مجاهد، ابن زید و زجاج است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۱۱۵؛ طوسی، بی تا، ج ۷: ۲۸۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶).

ج. کتب بعد از تورات

طبرسی به نقل از ابن عباس و ضحاک زبور را کتب آسمانی بعد از تورات معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶).

۲-۳. "الذکر"

روایات و اقوال متفاوتی در کتب تفسیری شیعه در مورد تفسیر واژه "الذکر" گزارش شده، و در تعیین مصداق آن سه نظر ذکر گردیده است که عبارت‌اند از:

الف. ام الكتاب

روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام که عروسی حویزی و بحرانی ذیل این فراز از آیه با سند خود، به آن استناد کرده بودند و قریباً ذکر گردید مؤید این دیدگاه است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۶۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۸۴۸).

ب. تورات

آنچه مفسران شیعه در این رابطه نوشته‌اند، منقول از ابن عباس، شعبی و ضحاک است و اکثر مفسران تنها به ذکر اقوال بسنده نموده‌اند (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۱۱۵؛ طوسی، بی تا، ج ۷: ۲۸۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶)؛ اما برخی نیز به این قول گرایش داشته و آن را صراحتاً پذیرفته‌اند (شریف لاهیجی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۵۱۷).

ج. قرآن

تفسیر "ذکر" به "قرآن" در تفاسیر شیعی به نقل از شعبی و ابن خالویه بیان شده است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۱۱۵؛ طوسی، بی تا، ج ۷: ۲۸۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶).

۳-۳ "الارض"

پیرامون واژه الارض در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء روایات و اقوال متفاوتی وجود دارد، و سه مصداق برای آن ذکر گردیده است که عبارت‌اند از:

الف. بهشت

بحرانی ذیل این فراز از آیه روایتی را از امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند که بر مبنای آن منظور از "الارض" بهشت است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۸۴۷).

طوسی و طبرسی نیز در این باره به نقل از ابن عباس، سعید بن جبیر و ابن زید همین نظر را گزارش کرده‌اند (طوسی، بی تا، ج ۷: ۲۸۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶).

ب. دنیا

طبرسی بر اساس روایتی، مقصود از "الارض" را همین زمین دنیا می‌داند که به دست امت محمد (ص) خواهد افتاد بعد از نابودی کافران و پاک شدن زمین از لوث آن‌ها. وی ذیل این فراز، به این حدیث نبوی استناد می‌کند:

«زمین برای من جمع شد و تمام شرق و غرب آن به من ارائه شد. به زودی ملک امت من همه آن‌ها را فرا می‌گیرد» (همان: ۱۰۶).

شیخ طوسی نیز در این باره روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند:

«این آیه وعده‌ای است برای مؤمنان زیرا آن‌ها همه زمین را به ارث می‌برند»

شیخ طوسی همین قول را از ابن عباس نیز گزارش می‌کند. وی در ادامه، حدیث نبوی را نیز که در بالا ذکر شد، به عنوان مؤید این نظر بیان می‌کند (طوسی، بی تا، ج ۷: ۲۸۴).

ج. شام و بیت المقدس

شیخ طوسی به نقل از کلبی یکی از مصدیق "الارض" را شام مطرح کرده و چنین می‌نویسد:

«منظور از الارض، شام است که صالحانی از بنی اسرائیل آن را به ارث می‌برند» (طوسی،

بی تا، ج ۷: ۲۸۴).

۳-۴. "عبادی الصالحون"

پیرامون فراز یادشده روایات متفاوتی در کتب تفسیری شیعه آمده و همچنین مصادیق مختلفی برای این فراز در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین بخش آیه ۱۰۵ سوره انبیاء که ارتباط مستقیمی با عصر ظهور، امام زمان عجل الله فرجه و یاران ایشان دارد، این قسمت آیه می‌باشد. روایات و مصادیقی که برای "عبادی الصالحون" ذکر شده است، عبارت‌اند از:

الف. امام زمان عجل الله فرجه و یاران شان

ذیل این فراز از آیه روایات متعددی از پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام در کتب تفسیری شیعه نقل شده است، که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

امام محمد باقر علیه السلام درباره "عبادی الصالحون" می‌فرمایند:

«آن‌ها یاران امام زمان عجل الله فرجه در آخرالزمان هستند» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶:

۱۱۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶).

ابن عباس از پیامبر اکرم روایت کرده که:

«اگر از عمر جهان جز یک روز نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا

مرد صالحی را از خاندان من برانگیزد که صفحه زمین را پر از عدل و داد کند،

همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۱۱۵؛ عروسی

حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶).

بحرانی با ذکر چند روایت، مصداق این آیه شریفه را "آل محمد، امام زمان و یاران شان"

می‌داند. احادیثی که بحرانی ذیل این آیه شریفه گزارش کرده، عبارت‌اند از:

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«منظور از آیه ۱۰۵ انبیاء، اهل بیت پیامبر هستند».

راوی می‌گوید از امام باقر در مورد آیه ۱۰۵ انبیاء پرسیدم، ایشان فرمودند: «ما مصداق این آیه

هستیم».

در روایت دیگری از امام باقر آمده که ایشان امام زمان و یاران شان در آخرالزمان را مصداق

آیه ۱۰۵ انبیاء می‌دانند (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۸۴۸).

علامه طباطبائی و بحرانی به نقل از «تفسیر علی بن ابراهیم» این حدیث را ذکر کرده‌اند:
«حضرت مهدی و یاران‌شان مصداق آیه ۱۰۵ انبیاء هستند» (طباطبائی، ۱۴۱۷،
ج ۱۴: ۳۲۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۸۴۸).

عروسی حویزی روایت دیگری را ذیل این آیه به نقل از /م سلمه می‌آورد که می‌گوید:
«شنیدم رسول خدا فرمودند: مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه
است» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۶۴).
از /امام کاظم نیز روایت شده که منظور از "عبادی الصالحون" اهل بیت پیامبر هستند، و همه
کسانی که پیرو راه و روش آنان‌اند (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۸۴۸).

ب. امت پیامبر اکرم (ص)

مصداق دیگری که با استناد به روایات در کتب تفسیری شیعه برای "عبادی الصالحون" بیان
شده، "امت پیامبر" صلی الله علیه و آله است.
کاشانی روایتی را از پیامبر اکرم در این باره نقل کرده است:
«زمین برای من جمع شد و تمام شرق و غرب آن به من ارائه شد. به زودی ملک
امت من همه آن‌ها را فرا می‌گیرد» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۱۱۵).
شیخ طوسی نیز با ذکر روایتی از ابن عباس، یکی از مصداق عبادی الصالحون را امت پیامبر
می‌داند (طوسی، بی تا، ج ۷: ۲۸۴).

ج. مؤمنان و صالحان

طوسی ذیل این فراز از آیه از /امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که این آیه وعده‌ای
است برای مؤمنان، زیرا آن‌ها همه زمین را به ارث می‌برند (همان: ۲۸۴).

د. بنی اسرائیل

ذیل این قسمت نیز طوسی به نقل از کلبی، عبادی الصالحون را "بنی اسرائیل" می‌داند که
وارث سرزمین شام می‌شوند (همان: ۲۸۴).

نکته‌ای که در پایان این قسمت باید به آن توجه کرد این است که برخی از مصادیقی که درباره تعابیر "زبور"، "ذکر"، "ارض" و "عبادی الصالحون" در تفاسیر شیعی نقل شده است مستند به برخی صحابه و تابعین است، و چون مستند به معصوم (ع) نیست از دیدگاه شیعه اصطلاحاً حدیث تلقی نمی‌گردد اما به عنوان موید می‌توانند مورد توجه قرار بگیرند.

۲. تحلیل درونی از دلالت آیه

مفسران شیعه در تحلیل درون متن این آیه، تحلیل‌های مفصلی بیان کرده‌اند. بیش‌تر تحلیل‌های آنان هم‌سو با روایات معصومان (ع) است.

۱-۲. "الزبور"

واژه "الزبور" به معنای اصطلاحی و معروف آن، همان کتاب آسمانی نازل شده بر حضرت داوود علیه السلام است. بعضی از مفسران شیعی مانند کاشانی این نظر را نقل کرده‌اند (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۱۱۵).

علامه نیز به این قول گرایش دارند و می‌فرمایند: «ظاهراً منظور از "زبور" آن کتابی است که به حضرت داوود نازل شد چه در جای دیگر نیز آن را به این نام اسم برده و فرموده:

﴿وَاتَيْنَادَاوُدَ زَبُورًا﴾ (نساء/۱۶۳؛ اسراء/ ۵۵)

«و به داوود، زبور بخشیدیم»

بعضی از مفسران گفته‌اند مراد از آن قرآن است. بعضی دیگر گفته‌اند مراد از آن مطلق کتبی است که بر انبیاء، و یا بر انبیاء بعد از حضرت موسی نازل شده. ولی هیچ دلیلی بر آن وجوه نیست» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۲۹).

در یکی از تفاسیر شیعه معنای اصلی زبور، "هر نوع نوشته و کتاب" معرفی شده ولی در این آیه معنی اصطلاحی و معروف آن مد نظر قرار گرفته است، چراکه در قرآن مجید در دو مورد از سه موردی که این کلمه به کار رفته، اشاره به زبور داود است، اما بعید به نظر نمی‌رسد که مورد سوم یعنی آیه مورد بحث نیز به همین معنی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۵۱۶).

موارد استعمال "زبور" در قرآن

علاوه بر آیه محل بحث، کلمه زبور دو مرتبه دیگر نیز با تعابیر مشابه ﴿وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾ در قرآن ذکر شده است (نساء / ۱۶۳ - اسراء / ۵۵).

در این دو آیه منظور از واژه "زبور" همان کتاب نازل شده بر حضرت داوود است. در آیه سوم نیز با توجه به موارد استعمال این واژه، و همچنین با توجه به دلایلی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، می‌توان این نتیجه را گرفت که تفسیر صحیح الزبور در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، همان کتاب زبور حضرت داوود است.

بشارت حکومت صالحان در مزامیر داود

به خوبی مشاهده می‌شود همان عنوان "صالحان" که در قرآن آمده با همان تعبیر در مزامیر داود به چشم می‌خورد، علاوه بر این تعبیرات دیگری مانند "صدیقان"، "متوکلان"، "متبرکان"، و "متواضعان" که با آن قریب‌الافق است نیز در جمله‌های دیگر ذکر شده است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۵۲۱).

جمع‌بندی واژه الزبور

در بیان تفسیر واژه الزبور، مصادیق متفاوتی توسط مفسران اهل سنت و شیعه بیان شده و هر کدام روایات مشترکی را به عنوان شاهد مثال ذکر کرده‌اند. ولی به نظر می‌رسد منظور خداوند متعال از این واژه، همان کتاب آسمانی حضرت داود علیه السلام باشد، چراکه دلیل خاص و یا قرینه‌ای در این آیه دال بر صحت سایر مصادیق مذکور وجود ندارد.

علاوه بر این در مصادر شیعی در کنار روایاتی که از صحابه و تابعین ذکر شده، روایتی با سند کامل از امام جعفر صادق علیه السلام نیز وجود دارد که الزبور را همان کتاب حضرت داوود می‌داند. این روایت قبلاً به نقل از کتاب «نور الثقلین» حویزی ذکر گردید (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۶۴).

جالب اینکه در کتاب «مزامیر داود» که امروز جزء کتب عهد قدیم است عین تعبیری که در آیه فوق ذکر شده، یا مشابه آن در چند مورد دیده می‌شود و نشان می‌دهد با تمام تحریفاتی که در

این کتب به عمل آمده، این قسمت هم چنان از دستبردها مصون مانده است. بنابراین با توجه به موارد استعمال واژه زبور در قرآن کریم و نیز با توجه به محتوای کتاب زبور می توان اطمینان حاصل کرد که مراد از زبور در آیه محل بحث همان کتاب زبور حضرت داوود(ع) است.

۲.۲. "من بعد"

تعدادی از مفسران اهل سنت و شیعه به نقل از شعبی "الزبور" را زبور داوود، "الذکر" را قرآن و "بعد" را به معنای "قبل" می دانند، که این نظر صحیح نمی باشد. به دلیل اینکه قرینه‌ای وجود ندارد که بر اساس آن "بعد" به معنای "قبل" گرفته شود. در مورد "الذکر به معنای قرآن" نیز در ادامه بحث خواهد شد.

در این باره دو احتمال وجود دارد که هر دو می تواند صحیح باشد و تناقضی باهم ندارند:

۱. علامه طباطبایی مراد از "بعد" را در کلام کسانی که الزبور را زبور داوود و الذکر را قرآن می دانند، "بعیدیت رتبی" می دانند، نه "بعیدیت زمانی" با وجود اینکه از نظر زمانی قرآن بعد از زبور نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۲۹).

۲. «با توجه به تعبیراتی که در آیه به کار رفته، ظاهر این است که منظور از زبور، کتاب داود، و ذکر به معنی تورات است، و با توجه به اینکه زبور بعد از تورات بوده، تعبیر "من بعد" نیز حقیقی است، و به این ترتیب معنی آیه چنین می شود، "ما، در زبور، بعد از تورات، چنین نوشتیم که این زمین را بندگان صالح ما به ارث خواهند برد" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۵۱۷).

۲-۳. "الذکر"

"ذکر" در اصل به معنی یادآوری و یا چیزی که مایه تذکر و یادآوری است.

برخی از مفسران شیعی واژه الذکر را به معنای "تورات" گرفته اند (شریف لاهیجی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۵۱۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۱۱۵).

گویا علامه نیز به این قول گرایش دارند. ایشان ذیل این فراز از آیه چنین می فرمایند: «بعضی از مفسرین گفته‌اند مراد از "ذکر" تورات است، به دلیل اینکه خدای تعالی آن را در دو جای از این سوره ذکر نامیده؛ یکی در آیه ﴿...فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾: «...اگر نمی دانید، از آگاهان

بپرسید» (انبیاء/۷) و دوم در آیه ﴿وَذَكَرَ الْمُتَّقِينَ﴾: «یادآوری برای پرهیزگاران است» (انبیاء/۴۸) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۲۹).

موارد استعمال "ذکر" در قرآن

کلمه ذکر و مشتقات آن در قرآن ۲۹۲ مرتبه تکرار شده است. در پاره‌ای از آیات به معنای "تذکر و یادآوری" (همان معنای لغوی) آمده (تکویر/۲۷ - یوسف/۱۰۴ - یس/۶۹)، در بعضی از آیات به معنای "قرآن" (حجر/۹) و در تعدادی از آیات به معنای "تورات" آمده است (انبیاء/۷).

جمع‌بندی واژه الذکر

برای اینکه ذکر به لوح محفوظ و یا ام‌الکتاب و یا انجیل تفسیر شود، باید نشانه یا دلیل محکمی باشد، حال آنکه نه سیاق آیات این مطلب را می‌رساند و نه قرینه‌ای در آیه وجود دارد که بتوان به کمک آن ذکر را به لوح محفوظ یا کتاب آسمانی انجیل تفسیر کرد. علامه "لوح محفوظ" را تفسیر صحیحی برای الذکر نمی‌دانند (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۲۹).

تفسیر الذکر به قرآن نیز به نظر می‌رسد که صحیح نباشد. به خاطر اینکه آیه ۱۰۵ سوره انبیاء در بردارنده مطلب جدیدی است که تا کنون مردم نشنیده و یا ندیده‌اند، و گویای این حقیقت است که "صالحان وارث زمین می‌شوند". اگر در اینجا ذکر به معنی قرآن باشد، باید یک بار این مطلب در قرآن آمده باشد و دوباره برای تأکید، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء ذکر شود. در حالی که این اولین باری است که این حقیقت در قرآن بیان می‌شود. بنابراین الذکر معنایی غیر از قرآن دارد.

و اما تفسیر صحیح "الذکر" به احتمال زیاد "کتاب آسمانی تورات" است به این دلیل که اگر در تفسیر این آیه سیاق نیز مد نظر باشد، در آیات ۷ و ۴۸ همین سوره، کلمه ذکر به معنای تورات آمده است.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا در میان کتب آسمانی، تنها از دو کتاب زبور و تورات، نام برده شده است؟

این تعبیر ممکن است به خاطر آن باشد که: داود، یکی از بزرگ‌ترین پیامبرانی بود که تشکیل حکومت حق و عدالت داد، و بنی اسرائیل نیز مصداق روشن قوم مستضعفی بودند که بر ضد مستکبران قیام کردند و دستگاه آن‌ها را به هم پیچیدند و وارث حکومت و سرزمین آن‌ها شدند.

۴-۲. "الارض"

عده‌ای از مفسران شیعی ذیل این فراز از آیه "ارض" را به معنای زمین دنیا تفسیر کرده‌اند. به عنوان مثال در یکی از تفاسیر ذیل این فراز از آیه آمده که «"ارض" به مجموع کره زمین گفته می‌شود و سراسر جهان را شامل می‌گردد مگر اینکه قرینه خاصی در کار باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۵۱۵).

کاشانی نیز یکی از مصداق الارض را زمین دنیا می‌داند. وی آیه ۱۳۷ اعراف را به عنوان مؤید این نظر بیان می‌کند (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۱۱۵. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۳۰).

جمع‌بندی واژه "الارض"

منظور خداوند متعال از واژه "الارض" در آیه ۱۰۵ انبیاء "زمین دنیاست". به چند دلیل می‌توان این نظر را به اثبات رساند:

۱. اگر الارض فقط از لحاظ لغوی و تحلیل درون متنی بررسی شود، منظور از آن زمین دنیاست. در آیه مورد بحث نیز قرینه‌ای برای وجود ندارد که بتوان آن را به معنای دیگری غیر از دنیا تفسیر کرد. پس هرگاه ارض به صورت مطلق بیاید، به معنای زمین دنیاست.

۲. اگر الارض قرار باشد با توجه به موارد استعمال آن در قرآن، معنا و تفسیر شود، باز به معنای زمین دنیاست. به خاطر اینکه در هر آیه‌ای از آیات قرآن که کلمه ارض آمده، به معنای زمین دنیاست. مگر اینکه همراه ارض عبارتی باشد که آن را از این معنا، خارج سازد. به عنوان مثال؛ در آیه:

﴿يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا

خاسرِينَ ﴿

«ای قوم! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید! و به

پشت سر خود بازنگردید (و عقب‌گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!» (مائده/۲۱)

به علت وجود قید "المقدسه"، ارض به بیت المقدس تفسیر شده است.

۳. و باز اگر بنا باشد این واژه بر اساس تحلیل روایی تفسیر شود، هم‌چنان به معنای زمین دنیاست. درست است که روایاتی از صحابه و تابعین توسط مفسران فریقین ذکر شده که الارض را به بهشت تفسیر کرده‌اند، ولی در کنار این روایات، احادیثی از پیامبر و ائمه علیهم السلام وجود دارد که زمین دنیا را مصداق روشن این آیه می‌دانند. به طور قطع تا زمانی که برای تفسیر آیات و یا دانستن حکمی، احادیثی از معصومین وجود دارد، مراجعه به نظرات و روایات صحابه و تابعینی که نظری متفاوت با معصومین دارند، شیوه صحیحی به نظر نمی‌رسد. احادیثی که از معصومین ذیل این فراز از آیه وجود دارد در قسمت‌های قبل ذکر گردید(نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶-طوسی، بی تا، ج ۷: ۲۸۴-بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۸۴۸).

هم‌سو با این روایات در منابع اهل سنت نیز به نقل از ابن عباس مراد از الارض، زمین دنیا

معرفی شده است(فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹۲-بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۲۰).

لازم به ذکر است که در منابع اهل سنت روایاتی که "الارض" را بهشت می‌داند، بیش‌تر از تابعینی همچون سعید بن جبیر، مجاهد، ابن زید، عکرمه، ابو العالیه، ثوری و دیگران نقل کرده‌اند، ولی روایاتی را که "الارض" را دنیا می‌داند، منقول از صحابی برجسته یعنی ابن عباس است.

۴. مفسرانی که طرفدار تفسیر الارض به بهشت هستند، به آیه ۷۴ زمر استناد می‌کنند. در حالی که چنین آیاتی از نظر موضوعی با آیه ۱۰۵ سوره انبیاء متفاوت‌اند. آیه ۷۴ زمر درباره بهشتیان و جایگاهشان صحبت می‌کند و اینکه لحظه ورود به بهشت چه سخنانی را بیان می‌کنند، علاوه بر اینکه در چنین آیاتی لفظ "جنه" به صراحت ذکر شده و تفسیر دیگری نمی‌توان برای آن در نظر گرفت. ولی آیه ۱۰۵ انبیاء پیرامون افراد صالحی صحبت می‌کند که یکی از پادشاه‌های اعمال خود را در دنیا دریافت می‌کنند که آن چیزی جز وراثت در دنیا نیست، از طرفی آیه ۱۰۵ انبیاء با آیاتی هم‌چون ۱۲۸ و ۱۳۷ اعراف و ۵۵ نور اتحاد موضوعی دارد و مؤید یکدیگر است.

۵. مفسرانی که "بهشت" را مصداق "الارض" می‌دانند، دو تحلیل درون متن برای نظر خود ارائه داده‌اند:

۱. زمین دنیا هم برای افراد صالح خلق شده است و هم برای افراد ناصالح، پس منظور خداوند از این آیه بهشت است به دلیل اینکه بهشت، تنها جایگاه صالحان و نیکان است.
۲. در آیه قبل (۱۰۴ انبیاء) خداوند می‌فرماید: ﴿... كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ...﴾ پس طبق این آیه خداوند زمین را به حالت قبل از فناء و نابودی برمی‌گرداند و بعد از اعاده و برگشتن زمین به آن حالت، دیگر زمینی باقی نخواهد بود که صالحان وارث آن شوند.

در جواب تحلیل اول این افراد باید گفت که طبق بسیاری از آیات قرآن، روشن و مسلم است که سرانجام و فرجام صالحان و نیکان در دنیای آخرت، بهشت است و همان‌ها وارثان حقیقی بهشت‌اند و بدکاران جایی در بهشت ندارند، پس دیگر نیازی نیست که خداوند در این آیه یادآور شود که "در زبور و تورات نیز ذکر شده که صالحان وارث بهشت هستند"، بنابراین آیه در صدد بیان مطلب جدیدی است که در باور عده‌ای نمی‌گنجد که روزی برسد که دنیا را نیز مانند بهشت، سراسر افراد نیکوکار فرا بگیرند.

در پاسخ تحلیل دوم نیز باید گفت که افرادی که بهشت را مقصود این آیه می‌دانند و می‌گویند «همین معنا متعیناً مقصود است چون بعد از اعاده دیگر زمینی نیست تا صالحان آن را ارث ببرند» حرف درستی نزده‌اند، زیرا معلوم نیست که آیه مورد بحث عطف بر آیه قبلی‌اش که متعرض مساله اعاده بوده شده باشد تا بگوید بعد از اعاده دیگر زمینی باقی نمی‌ماند. و ممکن است عطف به اول آیات باشد که می‌فرماید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۳۰):

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعِيهِ وَإِنَّ آلَهُ كَاتِبُونَ﴾

«و هر کس چیزی از اعمال شایسته به جا آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او ناسپاسی نخواهد شد؛ و ما تمام اعمال او را (برای پاداش) می‌نویسیم» (انبیاء/۹۴).

۶. این آیه هم نوید است و هم هشدار

این آیه شریفه از جمله آیاتی است که آینده جهان را پیشگویی می‌کند و در مورد وضعیت آخر الزمان سخن می‌گوید. در واقع آیه مورد بحث دربردارنده حقیقتی است که انسان‌ها از آن بی‌خبرند، و گمان نمی‌کنند روزی بیاید که خوبان سروران عالم شوند و ظالمان در ظلم خود گرفتار آیند. طبق آیه مذکور "آینده" از آن نیکان و صالحانی است که عمری را زیر یوغ ظالمان به سر برده‌اند و هیچ‌گاه آزادانه نفس نکشیده‌اند، آینده‌ای که افراد ستمکار و ظالم در نهایت خواری و عذاب به سر خواهند برد و چاره‌ای جز تسلیم در برابر خوبان جهان را نخواهند داشت و همان‌طور که آغاز دنیا با سروری پیامبران و پیامبرزادگان بوده است، پایان دنیا نیز همان‌طور خواهد شد.

۵-۲. "عبادی الصالحون"

مصادیق متفاوتی در تفاسیر شیعه برای این فراز آمده است که عبارت‌اند از: کاشانی "عبادی الصالحون" را بندگان شایسته‌ای می‌داند که متسم به سمة صلاح و تقوی هستند، و مراد عامه مؤمنان‌اند. وی آیات ۷۴ زمر و ۱۱ مؤمنون را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند. هم‌چنین به نقل از عده‌ای از مفسران مراد از عبادی الصالحون را، صالحان امت مرحومه می‌داند «یعنی حکم کردیم که زمین دنیا را بندگان صالح ما که امت پیغمبر آخر الزمان‌اند به میراث گیرند یعنی بفتح و نصرت و اجلاء کفار در آن تصرف نمایند» و برای این نظر به آیه ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ...﴾ (توبه / ۳۳) استناد می‌کند (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۱۱۵).

علامه نیز عبادی الصالحون را "جامعه بشری صالح" می‌داند که خدای را بندگی می‌کنند و به وی شرک نمی‌ورزند؛ همان‌ها وارث زمین می‌شوند و در آن زندگی می‌کنند. ایشان به آیه ۵۵ سوره مبارکه نور به عنوان شاهد مثال این نظر، اشاره می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۳۰).

نکته قابل ذکر این است که با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا، مسأله ایمان و توحید آن‌ها روشن می‌شود، و با توجه به کلمه "صالحون" که معنی گسترده و وسیعی دارد، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: شایستگی از نظر عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت، تدبیر و نظم و درک اجتماعی. هنگامی که بندگان با ایمان این ویژگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز کمک

و یاری می‌کند تا آن‌ها بینی مستکبران را به خاک بمالند، دست‌های آلوده‌شان را از حکومت زمین کوتاه کنند، و وارث میراث‌های آن‌ها گردند(نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۵۱۷).

جمع‌بندی "عبادی الصالحون"

در بین کتب تفسیری شیعه و سنی، مصادیق متفاوتی برای عبادی الصالحون ذکر شده است؛ از جمله:

الف. امام زمان و یاران‌شان، امت پیامبر، مؤمنان و بنی اسرائیل

اما همان‌طور که پیش‌تر هم ذکر شد با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا و نیز ذکر کلمه "صالحون" مسأله ایمان و توحید و همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید. بین سه مصداق اول(امام زمان و یاران‌شان، امت پیامبر، مؤمنان) تفاوت چندانی وجود ندارد، و می‌تواند هر سه مورد یک مصداق کلی باشند با نام‌های متفاوت. به عبارت دیگر امام زمان و یاران‌شان، همان مؤمنانی هستند که جزء امت پیامبر محسوب می‌شوند و تعارضی بین این مصادیق نیست. در واقع می‌توان گفت همه احادیثی که ذیل این فراز از آیه وجود دارد و عبادی الصالحون را به صورت‌های مختلف تفسیر می‌کند دربردارنده این مطلب است که بندگان صالحی که وارث زمین می‌شوند، از امت پیامبر آخرالزمان‌اند و یاوران آخرین امام و حجت الهی هستند، همان مؤمنان راسخی که از طرف خداوند مأمور برپایی حکومت حق در سراسر زمین‌اند. مؤید این نظر روایاتی است که توسط مفسران سنی و شیعه نقل شده و بین همگان شناخته شده است(طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶. عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۶۴).

مفهوم این روایات انحصار نیست، بلکه بیان یک مصداق عالی و آشکار است، و این تفسیرها هرگز عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی‌سازد. بنابراین در هر زمان و در هر جا بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد. تفسیر عبادی الصالحون به "بنی اسرائیل" نیز نادرست نیست، بلکه بنی اسرائیل یکی از مصادیق آیه است که در گذشته تحقق پذیرفته است و آیه مورد بحث را از نظر مصداقی محدود نمی‌کند.

نتیجه بحث

در مورد مصداق "زبور" باید گفت که در مصادر شیعی و سنی در کنار روایاتی که از صحابه و تابعین ذکر شده، روایتی با سند کامل از امام جعفر صادق علیه السلام نیز وجود دارد که الزبور را همان کتاب حضرت داوود می‌داند. با توجه به موارد استعمال واژه زبور در قرآن کریم و نیز با توجه به محتوای کتاب زبور می‌توان اطمینان حاصل کرد که مراد از زبور در آیه محل بحث همان کتاب زبور حضرت داوود(ع) است.

برای اینکه ذکر به لوح محفوظ و یا ام‌الکتاب و یا انجیل تفسیر شود، باید نشانه یا دلیل محکمی باشد، حال آنکه نه سیاق آیات این مطلب را می‌رساند و نه قرینه‌ای در آیه وجود دارد که بتوان به کمک آن ذکر را به لوح محفوظ یا کتاب آسمانی انجیل تفسیر کرد. همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، تفسیر صحیح "الذکر" به احتمال زیاد "تورات" است؛ به این دلیل که اگر در تفسیر این آیه سیاق نیز مد نظر باشد، در آیات ۷ و ۴۸ همین سوره، کلمه ذکر به معنای تورات آمده است. با توجه به روایات متعدد و نیز موارد استعمال واژه ارض در قرآن منظور از آن در آیه محل بحث زمین دنیاست.

و با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا، مسأله ایمان و توحید آن‌ها روشن می‌شود، و با توجه به کلمه "صالحون" که معنی گسترده و وسیعی دارد، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید. بنابراین در هر زمان و در هر جا بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- الوسی، محمود. ۱۴۱۵ ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، صدوق. ۱۳۹۵ ق، **امالی**، تهران: اسلامیه.
- ابن بابویه، صدوق. ۱۳۹۵ ق، **معانی الأخبار**، تهران: اسلامیه.
- ابن جوزی، ابوالفرج. ۱۴۲۲ ق، **زاد المسیر فی علم التفسیر**، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق. **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- اشکوری، محمد بن علی. ۱۳۹۰ ش، **تفسیر شریف لاهیجی**، تهران: علمی.
- بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ ق، **البرهان فی تفسیر القرآن**. چاپ اول، تهران: بنیاد بعثت.
- بغوی، حسین بن مسعود. ۱۴۲۰ ق، **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم. ۱۴۲۲ ق، **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. ۱۴۱۵ ق، **نور الثقلین**، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر. ۱۴۲۰ ق، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ ق، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دارالعلم – الدار الشامیه.
- زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ ق. **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴ ق، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. بی تا، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۱۱ ه. ق، **الغیبة للحجة**، قم: دار المعارف الإسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد. ۱۳۶۴ ه. ش، **الجامع لأحكام القرآن**، چاپ اول. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۳۶۳ ه. ش، **تفسیر القمی**، قم: دار الکتب.
- کاشانی، ملافتح الله. ۱۳۳۶ ه. ش، **منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران: کتابفروشی علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۲ ه. ش، **الکافی**، تهران: اسلامیه.

رہیافت‌های مفسران فریقین درباره آیه ۱۰۵ سوره انبیاء / ۱۰۵

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیہ.

نجازادگان، فتح الله. ۱۳۸۹ ش، بررسی تطبیقی تفسیر آیات مہدویت، قم: پژوهشگاہ حوزہ و دانشگاہ.